



موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
روابط عمومی و امور من الکل
۶۶۹۲۷۲۳۶ - ۶۶۹۲۷۲۳۶
WWW.ITSR.IR

بازار و بازر

بولتن تحلیلی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

شماره هفدهم _ مرداد ماه ۱۴۰۳

توصیه های سیاستی برای مسائل وزارت صمت در دولت چهاردهم

* احمد تشکینی: مدل چهار سطحی موضوعات اقتصادی در دولت چهاردهم

* مریم خلیلی اصل، امین مالکی: بایسته های سیاست های تعرفه ای و غیر تعرفه ای جدید

* حسن ناقد: ضرورت احیای کارکرد تعرفه واردات به عنوان یک ابزار مهم در مذاکرات تجاری

* داود چراغی: رشد اقتصادی، تحریم و اقدامات دولت چهاردهم



شناسنامه نشریه

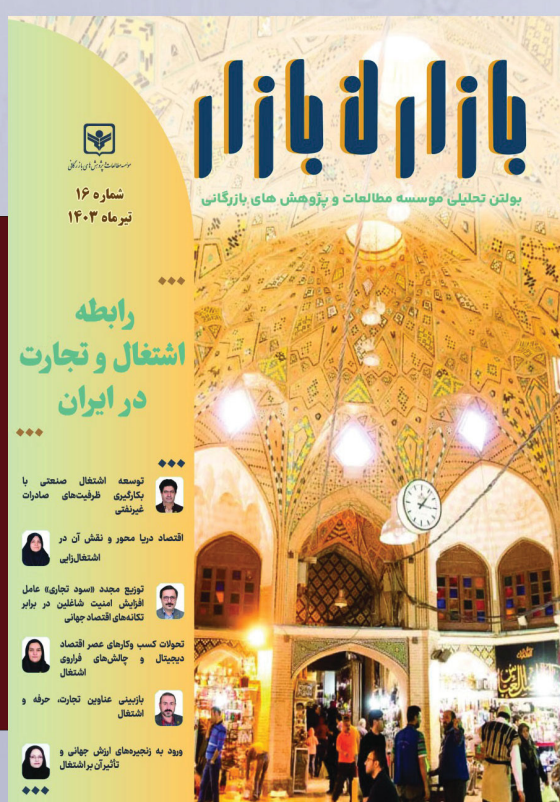
مدیر مسئول: دکتر احمد تشکینی

سر دبیر: دکتر قاسم خرمی

تامین محتوای: فائزه کیائی

گرافیکست و صفحه آرا: ماهورا موسوی، ساجده ملا عبداللهی

عکاس: امیر محسن باسختا



موضوع شماره پیشین: رابطه اشتغال و تجارت در ایران

نشریه دیجیتال «بازار نامه بازار» شامل تازه ترین دیدگاه ها و گزارش های تحلیلی پژوهشگران و کارشناسان موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در موضوعات تخصصی و روز کشور است و لزوما دیدگاه رسمی و سازمانی این موسسه به حساب نمی آید.



مدل چهار سطحی موضوعات اقتصادی در دولت چهار دهم



احمد تشکینی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

توضیح اجمالی:

موضوعات اقتصادی ایران در دولت چهار دهم را می توان در چهار سطح فراکلان (بین المللی)، کلان، بخشی و خرد (خانوار و بنگاه) طبقه بندی کرد. در سطح اول یعنی فراکلان می بایست مجموعه اولویت های بیرونی (عمدتاً مرتبط با خارج از مرزهای کشور) مانند رفع تحریم ها، FATF، توسعه روابط با همسایگان و فراروندهای فناوری شامل انقلاب صنعتی چهارم و هوش مصنوعی موردنظر قرار گیرد. در سطح دوم یعنی کلان موضوعاتی مانند تورم دورقمی، رشد اقتصادی کند و پایین، ناترازی انرژی، ناترازی بودجه، نظام بانکی و تضعیف کارکرد توسعه ای دولت در اولویت قرار گیرد. در سطح سوم یعنی بخشهای اقتصادی کشور، مواردی متعددی همچون بهره وری پایین، قیمت تمام شده پایین، سهم پایین صادرات از محصولات دارای ارزش افزوده بالا و اتکای بیش از حد به بازارهای داخلی در اولویت قرار دارند. سطح چهارم در دو طبقه یعنی خرد (خانوار) موضوعاتی مانند درآمد پایین و هزینه های بالا، اشتغال و ازدواج جوانان و خرد (بنگاه) موضوعاتی مانند مجوزهای شروع کسب و کار، موانع توسعه کسب و کار، انحصارات، تحقیق و توسعه و تامین نیروی انسانی موثر در اولویت قرار دارند.

جدول (۱): موضوعات اقتصاد ایران در چهار سطح

سطح							
موضوعات اصلی							
فراکلان (بین المللی)		تعاملات بین الملل	تحریم	FATF	دیپلماسی اقتصادی	شرکای تجاری	روابط با همسایگان
کلان		تورم بالا	رشد اقتصادی محدود	بیکاری	ناترازی انرژی	ناترازی بودجه	تضعیف کارکرد توسعه ای دولت
بخشی (صنعت، معدن و ...)		رشد های بطئی و کند	قیمت انرژی	قیمت تمام شده بالا	بهره وری پایین	اتکاء به بازار داخل	سهم پایین صادرات
خرد	(خانوار)	سفره خانوار	درآمدهای پایین	هزینه های بالا	افزایش خانوارهای زیر خط فقر	عدم توانایی در تامین مسکن	ازدواج جوانان
خرد	(بنگاه)	قطعی برق	قطعی گاز	بهره وری	انحصار	مجوزهای شروع فعالیت	تحقیق و توسعه
...		...	...	...	...	...	...

منبع: یافته های پژوهش.

در این مدل چهار سطحی توجه به این نکته بسیار تعیین کننده است: اول آنکه سطوح مختلف دارای ارتباطات متقابل با یکدیگر می باشند. دوم آنکه اقدامات مثبت در سطوح بالاتر تأثیرات عمیق موثرتر بر سطوح پایین خواهد داشت. سوم آنکه اقدامات مثبت سطوح پایین تر تأثیرات مثبت محدودتری بر سطوح بالاتر خواهد داشت. به عنوان مثال تقویت رشد اقتصادی در سطح کلان دارای ارتباط و مستلزم ارایه راهکار در سطوح بخشی است. همچنین اقدامات سازنده در سطح فراکلان (مثلاً توسعه روابط اقتصادی با همسایگان یا رفع تحریم ها) دارای تأثیرات مثبت سازنده و عمیق در تمام سطوح پایین تر می باشد؛ بدیهی است اقدامات مثبت در سطوح پایین تر (اگرچه می تواند تأثیرگذار باشد ولی) دارای همان میزان تأثیر بر سطوح بالاتر نخواهد بود.

نکات کلیدی:

برای رسیدن به اهداف اقتصادی مدنظر در قانون برنامه هفتم پیشرفت می بایست مجموعه چالشهای موجود دسته بندی و طی نظام رتبه بندی اولویتهای اصلی زیر مورد تاکید قرار گیرد:

۱. تمرکز بر موضوعات کلیدی حوزه فراکلان مانند توسعه شرکای تجاری، تقویت دیپلماسی اقتصادی، رفع تحریم ها و ...

۲. مشارکت راهبردی در زنجیره های ارزش اولویت دار منطقه ای و بین المللی

۳. رفع ناترازی های انرژی، بودجه ای و ارزی



پیوستگی به زنجیره های ارزش جهانی و بایسته های سیاست های تعرفه ای و غیر تعرفه ای جدید

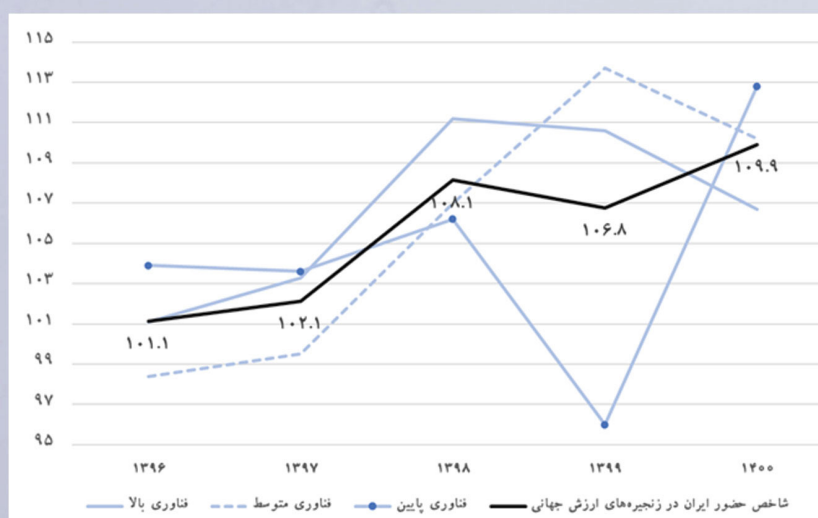


مریم خلیلی اصل (هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)
امین مالکی (هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

مقدمه

حال اما با گذشت سه سال از آن تاریخ، در ابتدای کار دولت چهاردهم، اجرای سیاست های صنعتی و ورود به زنجیره های ارزش جهانی در اولویت برنامه هفتم توسعه قرار گرفته که هر دو نیازمند بازبینی ساختار تعرفه ای کشور هستند. نکته مهمی که باید در تدبیر سیاست های جدید به آن توجه داشت، آن است که بخش تجارت خارجی کشور از سال ۱۳۹۶ به این سو به ویژه در صنایع با فناوری متوسط روندی مثبت را در پیوستن به زنجیره ارزش جهانی تجربه می کند (نمودار ۲) و در شرایط پیوستگی بیشتر به زنجیره ها، یک افزایش معتدل در تعرفه صنایع مد نظر در برش های عمودی، به واسطه دو اثر «تجمعی» و «بزرگنمایی»، می تواند کارکردی مشابه تعرفه های بالا در گذشته را داشته باشد.

نمودار ۲ - روند پیوستگی به زنجیره های ارزش جهانی از ابتدای سال ۱۳۹۶



منبع: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی (۱۴۰۳)

در عین حال، در الگوی سیاست های حمایت گرایانه امروز سیاست های غیرتعرفه ای نقشی پررنگ ایفا می کنند و این باعث شده است تا سطح اقدامات غیرتعرفه ای در حال حاضر نسبت به دهه ۱۹۹۰ چهار برابر شود. در ایران نیز از برنامه پنجم توسعه و عموماً به واسطه محدودیت های ارزی ناشی از تحریم ها به رژیم تجاری بازگشته اند، اقدامات غیرتعرفه ای به رژیم تجارت خارجی کشور بازگشتند که به امروز ادامه دارند. اصلاح محدودیت های غیرتعرفه ای هم راستا با سیاست های تعرفه ای جدید، به ویژه در حوزه هایی که تبدیل به موانعی جدی برای توسعه زنجیره های ارزش وارداتی شده اند، از اهمیت زیادی برخوردار است. متن حاضر با تمرکز بر ادبیات زنجیره های ارزش، شرحی بر دو اثر تجمعی و بزرگنمایی در سیاست های تعرفه ای و ارتباط اقدامات تعرفه ای و غیرتعرفه ای در سیاست های تجاری کشورها می دهد.

در آخرین اصلاح نظام تعرفه ای کشور که دارای ۱۴ طبقه تعرفه ای است، به منظور به حداقل رساندن اثرات ناشی از تکان های ارزی، نرخ تعرفه ۴۴۰ ردیف تعرفه در طبقه های چهارده گانه به شرح جدول زیر اصلاح شدند که با توجه به فراوانی بالای تعرفه های اصلاح شده در طبقات ۵ تا ۹، این سیاست اصلاحی میانگین متوسط نرخ تعرفه را از ۲۵.۷ به ۱۴.۰ درصد رساند (جدول ۱). اینکه دیوار حفاظت از صنایع داخلی صرفاً به بهانه کاهش اثرات تورمی و در واکنش به تکان های ارزی این چنین شدید پایین بیاید، از جمله تجارب نادر سیاست گذاری در یک کشور در حال توسعه است.

جدول ۱ - تغییرات نظام تعرفه ای در آخرین اصلاحات

طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	طبقه	طبقه
سال ۱۴۰۰	۱	۶	۱۱	۱۶	۲۱	۲۲	۲۸	۳۱	۳۶	۴۱	۵۱	۷۱	۹۱	۹۶	۱۴
سال ۱۴۰۱	۰	۱	۱	۶	۱۱	۱۱	۱۶	۱۶	۲۸	۲۸	۵۱	۷۱	۹۱	۹۶	۱۴

منبع: مصوبه ۲۲۴۶۶ مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ هیات وزیران

سیاست گذار که از ابتدای سال ۱۳۹۶ شاهد افزایش پرشتاب نرخ ارز بازار بود، بسته های سیاستی مختلفی پولی و تخصیص ارزی را برای تعدیل این شتاب امتحان کرده بود که عموماً اثر چندانی نداشتند و در نیمه سال ۱۳۹۹ که نرخ ارز برای نخستین بار سقف ۲۵ هزار تومان را پشت سر گذاشت، سیاست های تجاری و صنعتی را نیز وارد این بسته ها کرد. پایین آوردن دیوار تعرفه ای برای تخفیف آثار تورمی یکی از این سیاست ها بود (نمودار ۱).



منبع: داده های شبکه اطلاع رسانی طلا، سکه و ارز (tgju.org)



زنجیره ارزش و اثرات تجمعی و بزرگنمایی سیاست‌های تعرفه‌ای

بر اساس آمار سازمان همکاری‌های اقتصادی، در حال حاضر بیش از ۲۰ درصد از واردات جهانی به عنوان نهاده در فرایندهای تولید داخلی و سپس در صادرات استفاده می‌شود و به این ترتیب تنش‌های تقاضا در یک کشور می‌تواند از طریق شبکه تولید جهانی به دیگر تامین کنندگان مختلف نهاده سرایت کند. زنجیره‌های ارزش جهانی که امروز اصلی‌ترین موتور خلق ثروت شده‌اند، به واسطه ماهیت به هم پیوستگی زنجیره‌ها، نحوه سیاست‌گذاری تجاری را تغییر داده‌اند و سیاست‌گذار امروز باید با شناخت اثرات اقدامات تعرفه ای و غیرتعرفه ای مرتبط با زنجیره‌ها اقدام کند و به ویژه دقت کند که ارتباط کشورها از مجرای زنجیره ارزش، نقش مهمی در نحوه ایجاد و انتقال تنش‌های مختلف ایفا می‌کند. حضور زنجیره‌محور در عرصه تجارت جهانی اگرچه گردش کالاها و خدمات را بین بخش‌ها و مرزها تسهیل می‌کند، با این حال وابستگی متقابل را نیز افزایش داده و دیگر سیاست‌گذاری تجاری و صنعتی با صرف ملاحظات درون جغرافیایی کفایت نمی‌کند. تنش‌های اخیر عرصه تجارت بین‌الملل امروز این مفهوم وابستگی متقابل و حساسیت جریان‌های تجاری به موانع یک طرفه را برجسته کرده‌اند. بر اساس الگوهای سنتی، واردات یک کشور به تقاضای داخلی بستگی داشت اما در شرایط وجود زنجیره‌های تأمین جهانی پیچیده، تغییر در تقاضا در کشور همکار تجاری نیز عامل مهمی در انتقال تنش به حساب می‌آید.

زنجیره‌های ارزش جهانی می‌توانند تاثیر تغییرات تعرفه بر کالاهای واسطه‌ای وارداتی را تقویت کنند. در واقع اعمال تعرفه‌های واردات در زنجیره‌های ارزش جهانی، نه تنها بر شرکای تجاری مستقیم اثر می‌گذارد، بلکه از طریق پیوندهای بین کشوری و بین صنعتی اثرات غیرمستقیم نیز به همراه دارند. این مساله در رابطه با اقدامات غیرتعرفه‌ای نیز صادق است. الگوی «تولید چند مرحله‌ای» بیانگر این است که هزینه‌های تجاری به دو دلیل نقش حائز اهمیتی دارند. نخست، محصولات، چندین بار از مرزها عبور می‌کنند، بنابراین برخی از قطعات، مشمول چندین بار اعمال تعرفه می‌شوند. دوم، حتی اگر ارزش افزوده یک کشور تنها درصد ناچیزی از ارزش کالای صادراتی نهایی باشد، شرکای تجاری آن کشور همچنان تعرفه کالای نهایی را برای آن در نظر خواهند گرفت.

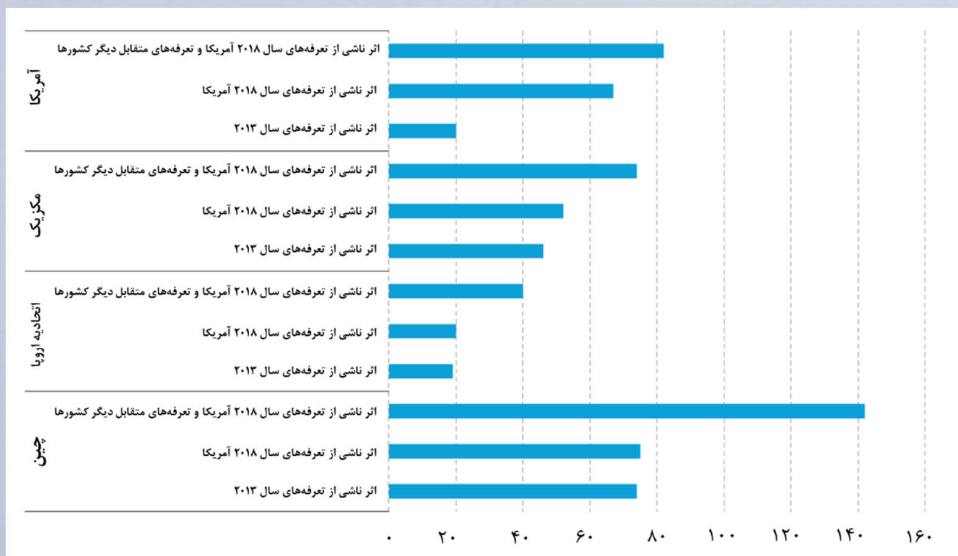
دو «اثر تجمعی» و «اثر بزرگنمایی» در سیاست‌های تعرفه‌ای، ویژگی جدید تجارت زنجیره محور هستند و باعث می‌شوند که با وجود تفکیک تولید، سیاست تجاری نقشی تاثیرگذار بر کشورهای پایین دست زنجیره داشته باشد. اگر «تعرفه تجمعی» را میانگین ساده افزایش تعرفه در صنایع مختلف در نظر بگیریم، به هنگام تعیین خطی مشی تجاری نه تنها باید با نگاه سنتی اثرات افزایش تعرفه بر واردات یک کشور را بررسی کرد، بلکه ضرورت دارد اثرات آن بر تعرفه تجمعی طول زنجیره ارزش را مورد توجه قرار داد. مثلا شواهد نشان می‌دهند که چنانچه آمریکا «تعرفه تجمعی» خود بر نهاده‌ها را در یک زنجیره بالا ببرد، در سه بلوک مکزیک، اتحادیه اروپا و چین برای تعرفه همان نهاده‌های زنجیره به واسطه سیاست‌های تلافی کننده جریان حمایت‌گرای تشدید شونده‌ای ایجاد می‌شود (نمودار ۳). در نتیجه این سیاست سطح تعرفه‌های نهاده تجمعی چین حدود دو برابر خواهد شد و این افزایش تعرفه، تنها نتیجه افزایش تعرفه در کشور چین نیست، بلکه ناشی از افزایش تعرفه در کشورهای واقع در زنجیره ارزش کشور چین است. روشن‌تر آنکه، آن هنگام که کشوری در زنجیره‌های ارزش جهانی ادغام می‌شود، اعمال متوسط افزایش نرخ تعرفه به میزان ۶۰ درصد از ناحیه آمریکا در قالب جنگ تجاری، می‌تواند تا بیش از ۱۴۰ درصد هزینه‌های تعرفه تجمعی بر واردات کشوری مانند چین را بالا ببرد.

لذا زنجیره‌ها اگرچه فرصت‌های زیادی به لحاظ تولید و صادرات و اشتغال ایجاد می‌کنند، اما کشوری مانند چین را به شدت تحت تاثیر منویات سیاست‌های تجاری آمریکا قرار داده‌اند. از همین روست که برای ورود به زنجیره‌های ارزش زنجیره‌های ارزش جهانی، باید مجاری اثرپذیری و ملاحظات سیاست‌گذاری در هماهنگی و همراهی با رویه‌های صنعتی و تجاری دیگر کشورها را درونی کرد؛ چراکه تنش‌های تجاری میان دو کشور در یک زنجیره خاص به راحتی به کل اقتصاد آن‌ها و دیگر کشورهای طرف تجاری منتقل می‌شود و هزینه‌های غیرمستقیم یک تنش تعرفه‌ای بسیار بیشتر از اثرات مستقیم آن خواهد بود.

تمرکز بیشتر کشورها بر اقدامات غیرتعرفه‌ای

بر اساس آمار سازمان تجارت جهانی، متوسط تعرفه‌های جهانی در دهه ۱۹۹۰ بالغ بر ۱۲ درصد بوده که در سال ۲۰۲۱ به ۸.۹ درصد (بخش کشاورزی ۱۴.۸ درصد و بخش صنعتی ۸ درصد) کاهش پیدا کرده است، اما سطح اقدامات غیرتعرفه‌ای در همین دوره نسبت به دهه ۱۹۹۰ چهار برابر شده است. تنش‌های بین‌المللی به ویژه بر تنور محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای کشورها دمیده است. برای مثال کشورها در دوره کووید ۱۹- با هدف کاهش هزینه‌های وارداتی اقدام به کاهش تعرفه‌ها کردند اما با هدف تامین امنیت عرضه داخلی کالا و جلوگیری از ورود ویروس سطح محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای خود را شدیداً بالا بردند. در حال حاضر دو دسته از مهم‌ترین موانع غیرتعرفه‌ای در عرصه تجارت جهانی، «اقدامات بهداشتی» و «اقدامات فنی» هستند. همواره محاسبات سازمان تجارت جهانی نشان داده که اثر سیاست‌های تعرفه‌ای (در قالب تعرفه‌های تجمعی) به مراتب بیشتر از اثر سیاست‌های غیرتعرفه‌ای است، اما نتایج بررسی‌های اخیر گویای آن است که هزینه تجمعی انطباق با اقدامات فنی در مراحل اولیه تولید، اثر منفی شدیدی بر ارزش افزوده و صادرات ناخالص محصولات تولیدی کشورها داشته که بیان کننده این واقعیت است که چندپارہ‌سازی نظام جهانی تولید اثر تجمعی اقدامات غیرتعرفه‌ای را بیش از گذشته کرده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا قبل شروع جنگ تجاری اخیر آمریکا و چین، کشورها اغلب سعی داشته‌اند با استفاده از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای به اهداف مورد نظر خود در مدیریت واردات دست یابند.

امروز اما سیاست‌های اخیر به ویژه از ناحیه آمریکا و چین نشان داده که از سال ۲۰۲۳ مجدداً تعرفه‌ها در حال تبدیل شدن به ابزار اصلی می‌باشند. بنابراین سیاست‌هایی که دولت‌ها جهت کاهش موانع تجاری به خصوص اقدامات غیرتعرفه‌ای دنبال می‌کنند، می‌تواند ارتقای مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی را به همراه داشته باشد. از این رو تنش‌های اقتصادی و اثرات انتشار آن‌ها، کشورها را وادار می‌کند تا در سیاست‌های خود در سیستم تجاری تجدیدنظر کنند و پیوندهای خود با زنجیره‌های ارزش جهانی را بازنگری کنند.



ع: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۳)

* خط افقی دوم، تعرفه‌های تجمعی نهاده را به دنبال تغییرات تعرفه‌های اعمال شده توسط آمریکا در سال ۲۰۱۸ برای هر کشور یا بلوک اقتصادی نشان می‌دهد
فهرست منابع:

✎ خلیلی‌اصل، مریم (۱۴۰۱)، «زنجیره‌های ارزش جهانی: الگوهای تحول، نوآوری و اشتغال زایی»، گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
✎ مالکی، امین و مریم خلیلی‌اصل (۱۴۰۳)، «تحولات زنجیره‌های ارزش جهانی و بررسی جایگاه ایران طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۰»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.



ضرورت احیای کارکرد تعرفه واردات به عنوان یک ابزار مهم در مذاکرات تجاری



حسن ناقب (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

بر اساس نمودار زیر، طی دو دهه اخیر، میانگین نرخ تعرفه‌ها از کانال ۲۵ تا ۳۰ درصد در دهه ۱۳۸۰ به کانال بین ۱۵ تا ۲۰ درصد در دهه ۱۳۹۰ کاهش یافته است. برخلاف روال معمول (تا سال ۱۳۸۹) که محاسبه حقوق گمرکی با نرخ ارز رسمی صورت می گرفت، طی دهه اخیر از نرخ پایین تر از نرخ ارز رسمی استفاده شده است. با این رویکرد در عمل تعرفه واقعی از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۶ به کانال ۱۵ تا ۲۰ درصد و از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۲ با تشدید تحریم ها به زیر کانال ۱۰ درصد و حتی در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به زیر ۵ درصد کاهش یافت. با وجود تغییرات نرخ تعرفه اسمی و واقعی، واردات کشور طی دو دهه اخیر همواره بین ۴۰ تا کمتر از ۷۰ میلیارد دلار در نوسان بوده است. طی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ در شرایط ثبات نسبی تعرفه ها (البته در سطوح بالای ۲۵ درصد) واردات به کانال ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار افزایش یافته است.

از سال ۱۳۹۲ به بعد، کاهش تعرفه اسمی به کانال نزدیک به ۲۰ درصد علیرغم اعمال نرخ های ارز پایین تر از نرخ ارز رسمی، افزایش واردات را در پی نداشته، بطوری که در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ واردات به ۴۰ میلیارد دلار کاهش یافته است. ثبات نسبی تعرفه اسمی طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ در کانال نزدیک به ۲۰ درصد، با وجود اعمال نرخ های پایین تر از نرخ ارز رسمی در محاسبه تعرفه گمرکی و کاهش تعرفه تعدیل شده به حدود ۱۵ درصد، در عمل واردات، در کانال بین ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار محدود شد (بجز سال های ۱۳۹۳، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰).

بدون تردید، ممنوعیت واردات حدود ۲۷۰۰ قلم کالا طی این سال ها، ضمن کم اثر کردن ابزار تعرفه، در محدودیت واردات نقش اساسی داشته و همینطور در مقطعی افزایش ناگهانی واردات کالاهای اساسی در جهت تامین نیازهای داخلی هم در تغییر ناگهانی واردات در یک سال خاص موثر بوده است.

اعمال نرخ ارز ترجیحی پایین تر از نرخ ارز رسمی در محاسبه تعرفه گمرکی طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ بدلیل محدودیت های شدید درآمدهای ارزی کشور و همچنین بدلیل محدودیت های وارداتی طیف متنوعی از اقلام، منجر به افزایش واردات نشده و واردات کشور همچنان در کانال نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار باقی ماند. به نظر می رسد با توجه به گشایش های ارزی در سال ۱۴۰۰ و همچنین با اعمال نرخ های پایین ارز ترجیحی در محاسبه تعرفه گمرکی و کاهش نرخ تعرفه تعدیل شده با نرخ ارز محاسباتی به کمتر از ۵ درصد، موجب افزایش واردات به بالای کانال ۵۰ میلیارد دلار شده است. در ادامه تا سال ۱۴۰۲ با کاهش نرخ تعرفه اسمی به کمتر از ۱۵ درصد و نرخ تعرفه تعدیل شده با نرخ ارز محاسباتی به کمتر از ۱۰ درصد، واردات کالاهای به بالای کانال ۶۰ میلیارد دلار افزایش یافته است.

تعرفه نوعی مالیات و از ابزارهای سیاست گذاری است که بر قیمت کالای وارداتی در جهت حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی می افزاید. هر چند نقش تعرفه ها در دنیای امروزی و در کشورهای پیشرفته کاهش یافته است اما همچنان در همه کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه در جهت حمایت از صنایع نوپای داخلی و مدیریت بر روند کالاهای وارداتی از این ابزار استفاده می شود. افزایش دقت در تعیین نرخ تعرفه کالا ها ، قدرت برنامه ریزی و تاثیرگذاری سیاست ها برای دستیابی به اهداف رقابتی و حمایتی در خصوص کالاهای داخلی افزایش خواهد یافت. ضروری است در جهت اثرگذاری بیشتر سیاست های تعرفه ای به عنوان یک ابزار سیاست تجاری، تعیین نرخ تعرفه کالاها (به عنوان ابزار سیاست تجاری) منطبق بر سیاست های صنعتی باشد. در اقتصاد جهانی مدرن، موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای به عنوان یک تنظیم کننده مؤثر عمل می کند، که بازتر شدن بازار را ترویج می کند، یا به عنوان گسترده ترین ابزار تجارت خارجی حمایت گرایی را دنبال می کند. طی دهه های گذشته، نرخ حقوق گمرکی وارداتی کاهش یافته است. همچنین، اقدامات غیرتعرفه ای برای تنظیم تجارت خارجی به طور مؤثرتری اعمال می شود. اما در عین حال سیاست گمرکی و تعرفه همچنان عامل اصلی تعیین کننده رژیم تجارت ملی و شرایط دسترسی محصولات خارجی به بازار داخلی است. بررسی ساختار تعرفه ای ایران طی چند دهه اخیر حاکی از رویکرد حمایت گرانه برنامه ریزان از طریق ایجاد دیوارهای بلند تعرفه ای از بخش های صنعت و کشاورزی است. همچنین اقدامات مختلفی در کشور صورت گرفته که می توان به نوعی آنها را در جهت افزایش کارایی این ابزار قلمداد نمود که موارد ذیل از جمله آنهاست:

• افزایش ردیف های تعرفه ای (تبدیل کدهای شش رقمی به هشت رقمی HS از سال ۱۳۸۳ به بعد) در راستای افزایش دقت سیاست گذاری های صنعتی، معدنی، کشاورزی و تجاری؛

• کاهش تعداد طبقات تعرفه ای جهت سهولت سیاست گذاری و کاهش تخلفات در اعمال نرخ های تعرفه گمرکی؛

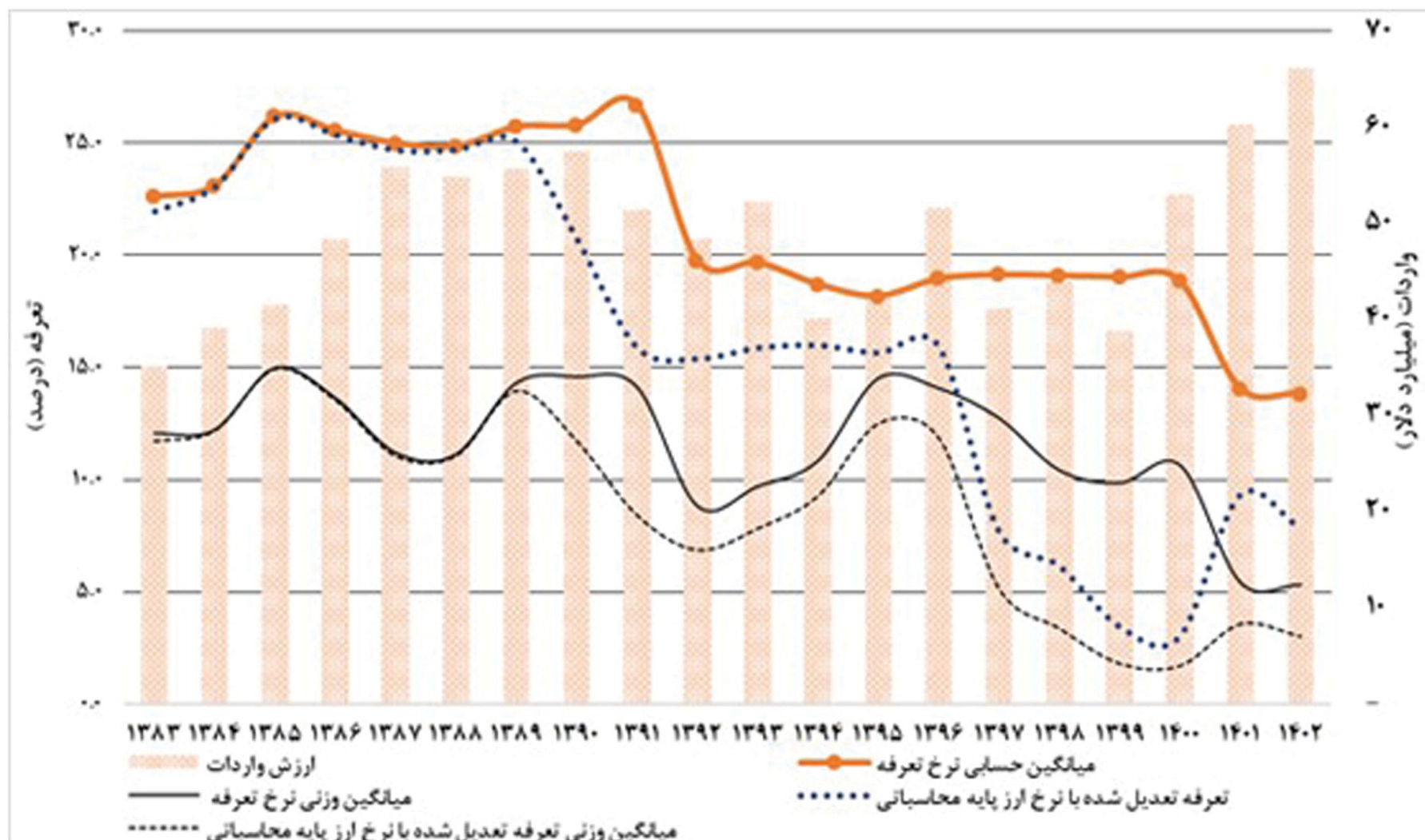
• تعدیل تعرفه ها پس از تغییرات نرخ ارز جهت حفظ اثرگذاری سیاست های تعرفه ای؛

• روند کاهشی متوسط نرخ تعرفه های وارداتی کشور طی دو دهه اخیر جهت همسویی با رویکرد جهانی برای ایجاد فضای رقابتی بیشتر؛

• همچنین زمینه سازی برای توسعه کمی و کیفی موافقت نامه های تجاری میان ایران و شرکای تجاری در سطوح دو و چندجانبه (تبادل امتیازات تعرفه ای به عنوان گام نخست) در راستای توسعه تجارت کشور.

علیرغم اقدامات انجام گرفته، اتخاذ برخی سیاست ها، از جمله اعمال نرخ های مختلف ارز (عمدتا با نرخ های پایین تر از نرخ ارز رسمی) در محاسبه حقوق گمرکی، موجب کاهش کارایی نظام تعرفه ای کشور شده است.





نکات کلیدی:

- سیاست اعمال نرخ‌های ارز مختلف (معمولاً با نرخ کمتر از نرخ ارز رسمی کشور) در محاسبه تعرفه گمرکی طی ابتدای دهه ۱۳۹۰ تاکنون، عمدتاً بدلیل کاهش درآمدهای ارزی دولت، اگرچه در راستای مدیریت واردات و با هدف تامین نیازهای بازار داخل و بدلیل محدودیت‌های منابع ارزی بوده است، اما کاهش موانع تعرفه‌ای (بصورت کاهش نرخ تعرفه یا اعمال نرخ ارز پایین‌تر از نرخ ارز رسمی کشور در محاسبه تعرفه گمرکی) به عنوان یک امتیاز پنهان برای کشورهای مبدا وارداتی ایران محسوب می‌شود که بطور یک‌طرفه این امتیازات به آنها اعطا می‌شود، بدون اینکه در قبال آن امتیازی در جهت توسعه صادرات کشور از آنها دریافت شود.
- ایران در راستای توسعه تجارت با برخی شرکای تجاری، موافقت‌نامه‌های دوجانبه (مانند پاکستان، ترکیه و ...) و موافقت‌نامه‌های چند جانبه (مانند اکو، گروه دی هشت و اوراسیا) بصورت تجارت آزاد یا ترجیحی به امضاء رسانده و در حال پیگیری است. گام اول پس از انعقاد این موافقت‌نامه‌های تجاری، مذاکرات تعرفه‌ای برای تبادل امتیازات تجاری است. در حالی که مذاکرات طولانی با حساسیت و دقت بالا جهت بررسی اقلام کالایی مناسب جهت اعطا یا دریافت امتیازات بصورت کاهش یا حذف تعرفه کالاها توسط مذاکره کنندگان دو طرف صورت گرفته و یا در حال انجام می‌باشد، منطقی نیست که با سیاست اعمال نرخ ارز پایین‌تر از نرخ ارز رسمی و یا تغییر پی‌درپی آن، توازن امتیازات تبادل شده در اینگونه موافقت‌نامه‌ها به زیان کشور برهم می‌خورد.
- توصیه می‌شود به منظور حفظ کارایی نظام تعرفه‌ای کشور در سیاست‌گذاری‌های تجاری و صنعتی، با رویکرد ایجاد ثبات در سیاست‌های تجاری و اصل پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد، همواره از نرخ ارز رسمی کشور برای محاسبه حقوق گمرکی استفاده شود.



رشد اقتصادی، تحریم و اقدامات دولت چهاردهم



✍ داود چراقی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

زنجیره تامین و عرضه است که نقش و اهمیت زیادی در گسترش حمایت از تولید محصولات در کشور و همچنین حمایت از حقوق مصرف کنندگان در دسترسی به کالاها و خدمات با قیمت، کیفیت و تنوع مناسب دارد.

قابل ذکر است بخش بازرگانی کشور شامل نظام توزیع کالا و خدمات و بازرگانی خارجی (تجارت با سایر کشورها)، موتور رشد اقتصاد کشورهاست. در نتیجه دولت‌ها با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب، بخش بازرگانی را در جهت رشد بخش‌های مولد اقتصاد، از جمله گسترش حضور در بازارهای جهانی از طریق صادرات کالاها و خدمات به سایر کشورها، آماده می‌نمایند. البته برعکس این موضوع نیز صادق است، بطوریکه، بخش بازرگانی حامی تولیدات سایر کشورها که بصورت قانونی و غیرقانونی (قاچاق) وارد کشور می‌شوند، می‌گردند. ضمن آنکه مصرف کنندگان نیز مجبور به پرداخت هزینه‌های بیشتری برای خرید کالاها و خدمات که عمدتاً کیفیت نامناسبی دارند، می‌باشند. براین اساس در شرایط وخیم اقتصاد کشور و تشدید تحریم‌ها، توجه به اصلاح بخش بازرگانی، برای بهبود وضعیت اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است.

باید توجه داشت که مسائل و مشکلات نظام بازرگانی ایران بر بخش‌های تولیدی، اشتغال و مصرف کنندگان در شرایط فعلی به‌خصوص با توجه به تحریم، اثرات مضائق دارد. براین اساس لازم است با اتخاذ اقدامات مناسب، نه تنها زمینه کاهش اثرات منفی را بر متغیرهای کلان اقتصاد به‌خصوص رشد تولید، رشد اشتغال و مصرف محصولات مختلف را در کشور را موجب گردید، بلکه شرایط را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور و کاهش آثار مخرب تحریم را آماده نمود.

آنچه مسلم است فشارهای تحریم و اقدامات نادرست و غیرعلمی مدیران اقتصادی دولت در طی دو دهه اخیر به مرور، موجب تورم لجام گسیخته، گسترش رکود در کسب و کارهای کوچک و بزرگ کشور، عدم انضباط مالی در تخصیص ارز ارزشمند و حیف و میل آن در بازرگانی خارجی (واردات محصولات کم کیفیت، غیراستاندارد و ...) و اجحاف‌های فراوان کمی و کیفی در عرضه کالا و خدمات به عموم مردم در بازرگانی داخلی، مشکلات گسترده را اقتصاد کشور بوجود آورده است. این وضعیت از بعدی دیگری نیز مشکلات بیشتری برای اقتصاد ایران داشته و آن تغییر شاخص‌های توزیع درآمد و ثروت است. به گونه‌ای که افراد (حقیقی و حقوقی) بطور عموم با کار با کیفیت کمتر درآمد و سود بیشتری نسبت به کار (در همه فرآیندهای زنجیره تامین و عرضه کالا و خدمات) با کیفیت بالاتر بدست می‌آورند. در هر حال با اصلاح امور سیاسی در قلمرو تحریم و وظایف دولت در قلمرو اقتصادی، زمینه بهبود وضعیت اقتصادی کشور را در سوق دهی اقتصاد به سمت رشد تولید و درآمد ناخالص داخلی و اشتغال نیرو کار فراهم نمود. براین اساس ضمن ضرورت پیگیری موضوع تحریم، لازم است اقدامات دولت به خصوص در دولت چهاردهم در قلمرو اقتصاد در توجه بیشتر به دو هدف مهم گسترش رقابت در زنجیره تامین و عرضه محصولات و توجه به حقوق مصرف کنندگان مدنظر قرار گیرد. رشد رقابت در فراهم نمودن امکان شروع و تداوم فعالیت اقتصادی توسط افراد (حقیقی و حقوقی) با کمترین هزینه و زمان و توجه به قراردادی استاندارهای اجباری (همچون همه کشورهای توسعه یافته و حتی بسیاری از کشورهای توسعه یافته) برای فعالان و متقاضیان جدید در ایجاد و فعالیت (مثل استانداردهای بهداشت، سلامت و حقوق مصرف کنندگان) بنگاه‌ها در تامین و عرضه محصولات حداقل در سطح استانداردهای حاکم بر بازارهای جهانی مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

از مهم‌ترین دغدغه‌هایی که سالیان زیادی اقتصاد ایران با آن دست به گریبان است، موضوع تحریم اقتصادی و آثار و زبان‌های آن بر بخش‌های مختلف اقتصاد کشور است. تحریم‌ها هم بر سمت عرضه اقتصاد بر همه فرآیندهای زنجیره تامین و عرضه محصولات (کالاها و خدمات) و هم بر سمت تقاضای مصرف کنندگان بر توانایی آنها در دسترسی به سبدهای از محصولات مورد نیازشان با قیمت و کیفیت مناسب، اثر کرده است. البته اگر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی دولت در برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به درستی و توسط متخصصین و خبرگان آگاه صورت می‌گرفت، تاحدود زیادی، آثار منفی تحریم‌ها بر اقتصاد کشور کاهش می‌یافت. در این بین حتی می‌شد با سوق دهی تامین بخشی از نیازهای وارداتی به سمت پتانسیل و توان تولیدی کشور، موجب افزایش تولید کالاها و خدمات و به تبع آن افزایش اشتغال نیروی کار کشور را فراهم کرد. بطوریکه با درایت و کاردانی، می‌توانستند بخشی از تبعات منفی تحریم‌ها را به فرصتی برای بازنگری و ساماندهی نظام اقتصادی کشور تبدیل نمود.

همچنانکه اذعان شد برای این منظور لازم است با مطالعه و برنامه‌ریزی علمی، راهکارهای مناسب و مطلوب را برای مقابله با تهدیدات تحریم، بکار گرفت. باید توجه شود که بخش زیادی از راهکارهای مقابله با تحریم در سمت عرضه و تقاضای اقتصاد کشور، مربوط است به اتخاذ اقدامات و سیاستهای اقتصادی مناسب در فضای کسب و کار رقابتی، تنظیم بازار محصولات مختلف به خصوص کالاهای اساسی که در این ارتباط توجه به تجربیات مدیران دوره‌های گذشته و تجربه سایر کشورها مفید و ارزنده است.

باید توجه داشت که در چند سال اخیر همراه با تداوم تحریم‌ها، قیمت بسیاری از محصولات از رشد بی رویه‌ای برخوردار بوده که افزایش نرخ ارز و طلا در این سالها تاثیر زیادی بر اقتصاد کشور داشته است. ضمن آنکه همراه با تورم دو رقمی، مشکل دیگر در قیمت محصولات، عدم وجود فضای رقابتی در بازرگانی داخلی و به تبع آن هرج و مرج در قیمت، کیفیت و تنوع محصولات در دسترس عموم مصرف کنندگان در مناطق مختلف کشور است. به گونه‌ای که در زنجیره تامین و عرضه محصولات همراه با افزایش نرخ تورم، افزایش قیمت کالاها و خدمات، در بسیاری از فعالان این بخش هم مشاهده میشود. طوریکه یک کالا و یا خدمت مشخص با قیمت‌های متفاوت و متعدد (با کیفیت یکسان) به مصرف کنندگان عرضه می‌شود.

در این بین اگرچه دولت اقداماتی برای ساماندهی قیمت و جلوگیری از رشد بی رویه قیمت‌ها را از طریق الصاق برچسب قیمت پیگیری نمود، اما رشد تورم فزاینده، عاملی برای بسیاری فعالان عرضه کالا و خدمات شده که کمتر به قیمت الصاقی بر محصولات به ویژه خدمات مورد عرضه پایبند باشند. براین اساس به بهانه‌های مختلف کالاها و خدمات را با قیمت بیشتری از نرخ تورم محصولات عرضه میشود.

لازم بذکر است عرضه کالاها و خدمات با قیمت بیشتر از قیمت واقعی و بنوعی اجحاف به خریداران و مصرف کنندگان یا هرج و مرج قیمت، از جمله مشکلات اساسی و ساختاری نظام اقتصادی ایران است که از جنبه‌های مختلف ضرر و زیان‌های زیادی ابتدا به مصرف کنندگان و سپس تولید کنندگان به خصوص تولید کنندگان محصولات کشاورزی وارد کرده است.

کشور، بیشتر به سمت انحصار و تبانی قیمت و عدم توجه به استانداردها (علی غم اهمیت بسیار، در سیاستگذاری دولت جایگاهی ناچیز کمی دارد) مرتبط با سلامت، بهداشت و حقوق مصرف کنندگان، مدنظر قرار گرفته است. به گونه‌ای که می‌شود اذعان داشت بخش بازرگانی کشور، توانایی انجام وظایف مربوطه در فرآیندهای مختلف زنجیره تامین و عرضه محصولات ندارد. درحالی که باید توجه داشت که حلقه مهم بازرگانی (داخلی و خارجی)، آخرین حلقه

